

واژه نامه کامل

زبان کنگور

نظام جدید آموزشی

با ترجمه فارسی



احمد مرتاضی

زبان دهم – درس اول

alive	زنده	hunter	شکارچی
amazing	حیرت انگیز / فوق العاده	hurt	آسیب رساندن / درد کردن
anymore	دیگر / از این به بعد	idea	فکر / تصور / نظر / عقیده
boring	خسته کننده / کسل کننده	in this way	به این ترتیب
cut down	قطع کردن / کم کردن	increase	افزایش دادن / زیاد کردن
danger	خطر	injure	مجروح کردن / آسیب رساندن
destroy	ویران کردن / نابود کردن	instead	در عوض / به جای
die out	منقرض شدن	interested	علاقه مند
earth	زمین / خاک / خشکی	lake	دریاچه
endangered	در معرض خطر	living thing	موجود زنده
especially	مخصوصاً	lose	باختن / گم کردن / از دست دادن
for example	برای مثال	low	کوتاه / کم عمق / پایین / کم
forest	جنگل	natural	طبیعی
future	آینده	nature	طبیعت / ذات / ماهیت
hear	شنیدن	nowadays	امروزه / این روزها
hope	امید / امیدواری / امیدوار بودن	pain	درد
hopeful	امیدوار / امیدوار کننده	pay attention to	توجه کردن به
hopefully	امیدوارانه / امیدوارم	plain	دشت
human	انسان	plant	گیاه / کاشتن
hunt	شکار کردن	Protect	محافظت کردن

put out	خاموش کردن		
recently	اخیرا		
safe	ایمن / سالم / بی خطر / امن		
save	نجات دادن / پس انداز کردن / صرفه جویی کردن		
take care of	مراقبت کردن از / رسیدگی کردن به / پرداختن به		
average	متوسط / معمولی / میانگین		
bring	آوردن		
change into	تبدیل کردن به / تغییر دادن به		
consider	مورد توجه قرار دادن / در نظر گرفتن / به حساب آوردن		
helpful	مفید / کمک کننده / دلسوز		
information	اطلاعات		
kill	کشتن		
leave	رفتن / ترک کردن / گذاشتن / جا گذاشتن		
national	ملی		
span	فاصله زمانی / طول / دوره		
voluntary	داوطلب / داوطلبانه		
wonderful	عالی / فوق العاده / شگفت آور		

زبان دهم – درس دوم

abroad	خارج از کشور / خارج	fact	واقعیت / حقیقت / امر مسلم
actually	واقعا / عملا / در واقع	far	دور / خیلی
against	علیه / مخالف / مقابل	fatty	چرب
alike	شبيهه / یکسان	gift	هدیه / استعداد
blood	خون	healthy	سالم / سرحال / مناسب
brave	شجاع	heart	قلب
carry	حمل کردن / منتقل کردن	interest	علاقه / نفع / علاقه مند کردن
cell	سلول	interesting	جالب
clear	شفاف / واضح / پاک کردن	laugh	خنده / خندیدن
collect	جمع کردن / جمع شدن / وصول کردن	light	روشن کردن / روشن
compare	مقایسه کردن	liquid	مایع
creation	آفرینش / خلقت / نوآوری	material	ماده / جنس / اطلاعات
cross	عبور کردن / قطع کردن	microbe	میکروب
defend	دفاع کردن	moon	ماه
delicious	خوشمزه / لذیذ	nationality	ملیت
describe	توصیف کردن / شرح دادن	near	نزدیک
do exercise	ورزش کردن	neat	منظم / مرتب / قشنگ
donate	اهدا کردن	observatory	رصدخانه
drop	قطره / چکه / افتادن	of course	البته / حتما
extra	اضافی / بیش از حد	orbit	مدار / دور زدن

organ	اندام / عضو	among	میان / از جمله
planet	سیاره	area	منطقه / ناحیه / قسمت / بخش
power	قدرت / توان / نیرو / برق	attack	حمله کردن / حمله
powerful	قدرتمند / قوی	body	بدن / جسم / توده
pump	پمپاژ کردن	careless	بی دقت / بی احتیاط
quality	کیفیت / ویژگی	close	نزدیک / صمیمی / دقیق
ring	حلقه / انگشتر / دایره	definition	تعریف / شرح
rocky	سنگی / سنگلاخ	disease	بیماری
sign	علامت / نشانه / تابلو	fight	جنگیدن / مبارزه / دعوا
soldier	سرباز	Fill in	پر کردن / تکمیل کردن
strange	عجیب / ناآشنا	In fact	در واقع / در حقیقت
suitable	مناسب	land	زمین / خشکی / سرزمین
sure	مطمئن / قطعی	look	به نظر رسیدن
thousand	هزار	on one's own	به تنهایی / تنها
ugly	زشت / ناخوشایند	round	گرد / کروی
wonder	شگفتی / متعجب بودن	sick	بیمار / ناخوش
wonderful	عالی / فوق العاده / شگفت آور	still	هنوز / با وجود این
wooden	چوبی	worry	نگرانی / نگران بودن

زبان دهم – درس سوم

action	اقدام / عمل	go out	خاموش شدن آتش / برق رفتن
at first	در ابتدا / اول	grave	گور / قبر
attend	شرکت کردن / دقت کردن	grow up	بزرگ شدن
be after sb/sth	به دنبال کسی یا چیزی بودن	hit	ضربه / برخورد کردن
belief	اعتقاد / باور / اعتماد	invent	اختراع کردن
believe	باور داشتن	invention	اختراع / ابداع
bulb	لامپ	inventor	مخترع
cool	عالی / محشر / باحال	jump	پرش / پریدن / جهش
cradle	گهواره / خاستگاه	knowledge	دانش / شناخت / اطلاع
develop	رشد کردن / پرورش دادن	laboratory	آزمایشگاه
emphasis	تاکید	light	نور / روشنایی / چراغ
energetic	پرانرژی / پر تحرک	make noise	سر و صدا کردن
experiment	آزمایش / آزمایش کردن	medicine	دارو / پزشکی / طبابت
express	بیان کردن / نشان دادن	narrate	نقل کردن / روایت کردن
famous	مشهور	pain	درد
feel weak	احساس ضعف کردن	pass away	از دنیا رفتن / مردن
firefighter	آتش نشان	patient	بیمار / صبور
gain	سود / به دست آوردن	publish	منتشر کردن / چاپ کردن
get around	پخش شدن یا شایع شدن بیماری	put aside	کنار گذاشتن
give up	ترک کردن / رها کردن	quit	ترک کردن / دست کشیدن

recite	از حفظ خواندن	ashamed	شرمنده
remember	به یاد آوردن	behave	رفتار کردن
research	تحقیق / تحقیق کردن	column	ستون
researcher	پژوهشگر	dear	عزیز / محبوب
sadly	متأسفانه	description	توصیف / شرح
scientist	دانشمند	heavily	به شدت / سنگین
seek	جستجو کردن / سعی کردن	history	تاریخ
solve	حل کردن	injured	مجروح / مصدوم
state	وضعیت / شهر / بیان کردن	interview	مصاحبه / مصاحبه کردن
success	موفقیت	memory	حافظه
successful	موفق	next door	پهلویی / مجاور
suddenly	به طور ناگهانی	observe	مشاهده کردن / رعایت کردن
translation	ترجمه	personality	شخصیت / چهره سرشناس
translator	مترجم	poet	شاعر
try	سعی کردن / امتحان کردن	rich	ثروتمند / غنی / پربار
unfortunately	متأسفانه	think about	درباره چیزی فکر کردن
value	ارزش / ارزش گذاری کردن	university	دانشگاه
alone	تنها	wait	صبر کردن / منتظر بودن

زبان دهم – درس چهارم

abroad	خارج از کشور	desert	صحرا / بیابان / کویر
activity	فعالیت / سرگرمی	destination	مقصد
agency	آژانس / شعبه / نمایندگی	domestic	خانگی / داخلی / اهلی
agent	نماینده / کارگزار / واسطه	embassy	سفارت / سفارت خانه
ancient	باستانی / کهن / قدیمی	entertainment	تفریح / سرگرمی
attract	جذب کردن	exactly	دقیقا
attraction	جاذبه / کشش / دلбستگی	familiar	آشنا / مطلع / صمیمی
attractive	جذاب / خوشایند / جالب توجه	flight	پرواز
be located	در جایی واقع شدن	foreign	خارجی
book	رزرو کردن / ثبت کردن / اخطار دادن داور	form	ساختن / تشکیل شدن / تشکیل دادن
booklet	کتابچه / جزوه	generous	سخاوتمند
bravely	شجاعانه / با شجاعت	historical	تاریخی
ceremony	مراسم / تشریفات	holy	مقدس
choice	انتخاب / تصمیم / تنوع	home-made	خانگی
comfortable	راحت / آسوده / آرام	honestly	صادقانه / حقیقتا
continent	قاره	hospitable	مهمان نواز / مناسب / مطلوب
contrast	مقایسه / تضاد / مقایسه کردن	junk	هله هوله / اشغال ها / مزخرفات
contrastive	مقایسه ای	link	ارتباط / متصل کردن
cruel	ظالم / بی رحم / سخت	loud	بلند / رسا
culture	فرهنگ / پرورش / تربیت	manner	طرز / حالت / رفتار

meal	غذا / وعده غذا	quiet	ساکت / سکوت / آرامش
midday	ظهر / نیمروز	range	مجموعه / انواع / محدوده
midnight	نیمه شب / دیر وقت	relating to	مربوط به / درباره
mostly	عمدتاً / معمولاً	respect	احترام / احترام گذاشتن
neatly	بسیار تمیز / بادقت	rudely	بی ادبانه / گستاخانه
necessity	ضرورت / لزوم / احتیاج	rule	قاعده / قانون / حکومت کردن
obligation	اجبار / وظیفه / تعهد	safely	با احتیاط / با اطمینان
paradise	بهشت	set	مجموعه / تنظیم کردن
patiently	صبورانه / باحوصله	shrine	مرقد / حرم / زیارتگاه
Pay for	پرداختن برای	similar	شبیه
pilgrim	زائر	site	محل / مکان / وب سایت
plan	نقشه / طرح / نقشه کشیدن	suggestion	پیشنهاد
play	نواختن / پخش کردن / اجرا	sunrise	طلوع آفتاب
popular	محبوب / پرطرفدار	sunset	غروب آفتاب
possibility	امکان / احتمال / پیشامد	take time	وقت گرفتن / طول کشیدن
probably	احتمالاً	tourism	جهانگردی / گردشگری
proper	درست / صحیح	tourist	جهانگرد / گردشگر
pyramid	هرم	traditional	سنتی

vacation	تعطیلات / مرخصی / تعطیلی	prefer	ترجیح دادن
wide	پهن / وسیع / گسترده	rest	استراحت / استراحت کردن / بقیه
arrive	رسیدن / وارد شدن	search	جست و جو / جستجو کردن
baggage	چمدان / بار / اثاثیه	ship	کشتی
balloon	بالون / بادکنک / محل نوشتن گفتگو در داستان مصور	smoke	دود/ سیگار کشیدن
boat	قایق	souvenir	یادگاری / سوغات
check in	بار خود را تحویل دادن / به پذیرش مراجعه کردن	speed	سرعت
comfortably	به راحتی / بی درد سر	surf	جستجو کردن در اینترنت / موج سواری کردن
course	دوره / درس	war	جنگ
differently	به گونه ای دیگر / به طور متفاوت	image	تصویر / تصور / ذهنی
experience	تجربه / تجربه کردن	international	بین المللی / جهانی
forget	فراموش کردن		
guest	مهمان		
journey	سفر / مسافرت		
local	محلی / اهالی محل / محلی ها		
main	عمده / اصلی		
means	وسیله / راه / شیوه / روش		
point	نکته / مطلب		

زبان یازدهم – درس اول

ability	توانایی / قابلیت	die out	منقرض شدن / نابود کردن
absolutely	کاملاً / مطلقاً / حتماً	difference	تفاوت / اختلاف نظر
according to	بر طبق / به گفته	disappear	ناپدید شدن / برطرف شدن
additional	اضافی / بیشتر / دیگر	endangered	در معرض خطر
almost	تقریباً	exchange	مبادله کردن / عوض کردن
around	این دور و بر / همین نزدیکی	exist	وجود داشتن / زنده بودن
at last	سرانجام	experience	تجربه / تجربه کردن
available	موجود / در دسترس	explain	توضیح دادن
based on	بر اساس / بر مبنای	explanation	توضیح / شرح
belief	اعتقاد / باور / خیال / اعتماد	farming	کشاورزی / زراعت / دامداری
besides	علاوه بر / به علاوه	favorite	مورد علاقه / مطلوب
broadcasting	پخش / اجرای برنامه	fluently	روان / با فصاحت
candle	شمع	foreigner	خارجی
century	قرن	frequently	زیاد / فراوان / به دفعات
communicate	تماس برقرار کردن / منتقل کردن / بیان کردن	grade	نمره / درجه / میزان
communication	ارتباط / انتقال	grass	علف // جمن زار
continent	قاره	greatly	بسیار زیاد / به شدت
cultural	فرهنگی	host	میزبان / مجری بودن
deaf	ناشنوا / بی اعتنا	imagine	تصور کردن / فکر کردن
despite	فرهنگ / پرورش / تربیت	institute	موسسه / انجمن / نهاد

interest	علاقه / کشش / منفعت	no matter	مهم نیست که
interesting	جالب / گیرا	nowadays	امروزه / این روزها
interestingly	جالب است که	orally	شفاهی
interview	مصاحبه کردن / مصاحبه	parking lot	پارکینگ
keep off	پرهیز کردن / وارد جایی نشدن	percent	درصد
largely	عمدتاً	physical	جسمی / مادی / فیزیکی
live	زنده / روشن / سرزنده	pick	برداشتن / چیدن / انتخاب کردن
loaf	قرص نان	point	نکته / مطلب / امتیاز
luckily	خوشبختانه	popular	محبوب / رایج
make up	ساختن / تشکیل شدن	population	جمعیت
means	وسیله / راه / روش / شیوه	project	طرح / برنامه / پروژه / تحقیق
meet the needs	برآورده کردن نیازها	range	نوسان داشتن
mental	ذهنی / روانی	region	منطقه / ناحیه
mind	ذهن	scan	نگاه اجمالی انداختن
mother tongue	زبان مادری	sign	علامت / نشانه / آگهی
native	بومی / محلی	sign language	زبان اشاره
nearly	تقریباً	simply	صرفاً / به سادگی
news	اخبار	skill	مهارت / تخصص

slice	تکه / ورقه / برش	area	منطقه / ناحیه / قسمت / بخش
society	جامعه	be afraid	ترسیدن / متاسفانه
space	فضا	brain	مغز
specific	خاص / اختصاصی / ویژه	certainly	مطمناً
surprising	شگفت انگیز / تعجب آور	classmate	همکلاسی
take notice	توجه کردن	confident	مطمئن / اطمینان بخش
therefore	بنابراین	consider	در نظر گرفتن / به حساب آوردن
think of	کاری را در نظر داشتن / به فکر کسی بودن	decide	تصمیم گرفتن / تعیین کردن
to be honest	راستش را بخواهی	escape	فرار کردن
turn off	خاموش کردن	hint	توصیه / اشاره / راهنمایی
turn on	روشن کردن	improve	پیشرفت کردن / بهبود یافتن
valuable	ارزشمند / قیمتی / مفید	improvement	پیشرفت / بهبودی
vary	متفاوت بودن / فرق داشتن	item	فقره / بخش
wish	ارزو / ارزو داشتن	label	برچسب
You're welcome	خواهش میکنم	mainly	عمدتاً
access	دسترسی / ورود	mistake	اشتباه
add	اضافه کردن	make sure	مطمئن شدن
appear	ظاهر شدن / به نظر رسیدن	media	رسانه ها

mention	ذکر کردن / اشاره کردن
necessary	ضروری / لازم
pack	بسته / تهِ بندی کردن
plenty	زیاد / فراوانی / وفور
quite	کاملاً / واقعا / تا حدی
suggest	پیشنهاد کردن / توصیه کردن
unit	واحد / بخش / قسمت
useful	مفید / سودمند

زبان یازدهم – درس دوم

above all	از همه مهمتر / در درجه اول	contain	محتوی چیزی بودن
addiction	اعتیاد / میل شدید	cook	اشپز / پختن
amount	مقدار / تعداد / اندازه	couch potato	خوره تلویزیون / تنبل
asleep	خواب / خوابیده	create	خلق کردن / موجب شدن
at all	اصلا	cure	درمان / درمان کردن
balanced	متعادل / هماهنگ / متناسب	cycle	دوچرخه / دوچرخه سواری کردن
be born	متولد شدن	death	مرگ
bike	دوچرخه / دوچرخه سواری	decrease	کم کردن / کاهش دادن
bit	ذره / کم / تکه	depressed	افسرده / غمگین
blood pressure	فشار خون	details	جزئیات
busy	مشغول / سرگرم / پرکار	develop	توسعه دادن / دچار شدن
call back	دوباره تلفن کردن	diet	رژیم غذایی / غذای روزمره
calm	آرام	disagree	مخالفت کردن
cause	علت / دلیل / باعث شدن	dish	بشقاب / غذا
certain	مطمئن / خاص	dislike	دوست نداشتن
check in	به پذیرش مراجعه کردن / بار خود را تحویل دادن	disorder	بی نظمی / اخلال
common	رایج / عادی / معمول /	education	آموزش / تحصیلات
come on	بجنب / بی خیال	effective	موثر / چشم گیر
condition	وضع / وضعیت / حالت / شرط	emergency	اضطراری
confuse	گیج کردن / عوضی گرفتن	emotion	عاطفه / احساس / هیجان

emotional	عاطفی / احساساتی	health	سلامت / بهداشت
enjoy	لذت بردن	heart attack	حمله قلبی
event	رویداد / حادثه / مسابقه	heart beat	ضربان قلب
excellent	عالی / درجه یک	hike	پیاده روی کردن
exciting	هیجان انگیز	hobby	سرگرمی
forbidden	ممنوع / غیر مجاز	homeless	بی خانمان / اواره
for sure	به طور یقین / مطمئناً	however	هرچند / با وجود این
frequency	تکرار / فراوانی	hurry up	عجله کردن
fully	کاملاً	identify	شناسایی کردن
function	کار / عملکرد / نقش	impossible	غیر ممکن
gain weight	چاق شدن	improve	بهبود بخشیدن / بهتر کردن
general	عمومی / کلی	incomplete	ناقص / ناتمام
get away	فرار کردن / دور شدن	incorrect	غلط / نادرست
get up	بلند شدن / برخاستن	influence	تحت تاثیر قرار دادن
goal	هدف	invitation	دعوت / دعوتنامه
habit	عادت	jog	اهسته دویدن
hang out	گشتن / پرسه زدن	keep on	ادامه دادن
harmful	مضر	key	کلیدی / مهم

laughter	خنده / صدای خنده	reality	واقعیت / حقیقت
lifestyle	سبک زندگی	reason	دلیل
look after	مراقبت کردن	recent	اخیر
measure	اندازه گرفتن	recreational	تفریحی
medical	پزشکی	regular	مرتب / منظم
member	عضو	relationship	رابطه / نسبت / خویشی
middle	وسط / میان	relative	خویشاوند
mission	ماموریت / سفر فضایی	replay	دوباره پخش کردن
nope	نه / نه	rethink	دوباره بررسی کردن
notice	توجه / علامت	retire	بازنشسته شدن
physical	بدنی / جسمی / مادی	risk	خطر / خطر کردن
physically	جسمانی / از نظر ظاهر	rush	عجله کردن / شلوغی
predict	پیش بینی و پیشگویی کردن	sail	قایق رانی کردن
prepare	آماده کردن	scientific	علمی
prevent	جلوگیری کردن	seem	به نظر رسیدن
produce	تولید کردن	serious	جدی
properly	به طور مناسبی / به درستی	serving	پرس
rarely	به ندرت	situation	شرایط / وضعیت

skim	نگاه اجمالی کردن / ورق زدن	appropriate	مناسب
social	اجتماعی / معاشرتی	as well	هم / نیز
sportsperson	ورزشکار	avoid	پرهیز کردن
stage	مرحله / صحنه	depression	افسردگی
take away	چیزی را از کسی سلب کردن	device	ابزار / وسیله / دستگاه
take part	شرکت کردن	enable	امکان دادن / قادر ساختن
taste	سلیقه / ذوق / چشیدن	flat	هموار / پنجر / آپارتمان
title	عنوان / لقب	groceries	خوراکیار
topic	موضوع / بحث	harm	اسیب / ضرر رساندن
try	سعی کردن / امتحان کردن	impatient	بی صبرانه / کم طاقت
turn around/round	برگشتن / دور زدن	indirect	غیر مستقیم / کج
unhealthy	ناسالم / ناخوش / غیربهداشتی	kind	نوع / مهربان
unimportant	کم اهمیت	limit	حد / مرز / محدود کردن
unsafe	خطرناک / ناایمن	look out	مواظب باش
watch out	مراقب بودن / مواظب بودن	mind	اهمیت دادن / مواظب بودن
worry	نگرانی / نگران بودن	mineral	معدنی
you win	خیلی خب / قبوله / باشه	miracle	معجزه
ahead	پیش رو	nervous	عصبی

particular	خاص / دقیق / ویژه
press	فشار دادن / اتو کردن
proportion	نسبت / بخش / تناسب
redo	دوباره انجام دادن / تغییر دادن
shut	بستن / بسته شدن
socialize	معاشرت کردن / اجتماعی کردن
specialist	متخصص
spend	صرف کردن / گذراندن
thought	فکر / تفکر
type	نوع / گونه
vacuum cleaner	جارو برقی
various	متنوع / گوناگون
wellness	سلامت / بهداشت
worthy	سزاوار / شایسته / لایق

زبان یازدهم – درس سوم

achieve	به دست آوردن / موفق شدن	craft	صنعت / حرفه / فن
agree	موافق بودن	creative	خلاق / بدیع
amazed	حیرت زده	custom	رسم / سنت / عادت
amused	سرگرم شده	decorative	تزئینی / زینتی
appreciate	قدردانی کردن / درک کردن	depend on	بستگی داشتن / حساب کردن
art	هنر	discount	تخفیف / تخفیف دادن
artistic	هنری / هنرمندانه	diversity	تنوع / گوناگونی / اختلاف
artwork	اثر هنری	draw	رسم کردن / بیرون کشیدن
at least	حداقل	earn	درآمد داشتن / به دست آوردن
attempt	تلاش / سعی کردن	economy	اقتصاد / صرفه جویی
beauty	زیبایی	excited	هیجان زده / تحریک شده
bored	خسته / کسل	expect	انتظار داشتن
business	شغل / موضوع / مسئله	fall	افتادن / سقوط کردن / کم شدن
calligraphy	خوش نویسی / خطاطی	feeling	حس / احساس
carpet	فرش / قالی / موکت	fingerprint	اثر انگشت / انگشت نگاری
catch	گرفتن / رسیدن	for instance	برای نمونه
charity	خیریه / صدقه / کمک	former	قبلی
cheerful	شاد / سرحال / شادی آفرین	fortunate	خوش شانس / خوب / مساعد
collection	مجموعه / جمع اوری	frightened	ترسیده
confused	اشفته / گیج / سردرگم	get along	کنار آمدن / جور بودن

handicraft	صنایع دستی	nearby	نزدیک / همین دور و بر
hand-made	دست بافت / کار دست	opposite	مخالف
hard-working	سخت کوش / جدی	pack	بسته بندی کردن
have to	باید / مجبور بودن	painting	نقاشی
homeland	وطن / میهن / سرزمین	pleasure	شادی / خوشی / تفریح
humankind	نوع بشر / انسان	pottery	سفال / سفالگری
identify	شناختن / شناسایی کردن	practice	تمرین کردن
imagination	تصور / خیال	prize	جایزه / پاداش
including	شامل	produce	تولید کردن
income	درآمد	product	محصول
introduce	معرفی کردن / عرضه کردن	promise	قول دادن
item	فقره / رقم / چیز	proud	مفتخر / سربلند
look for	دنبال کسی یا چیزی گشتن	recognize	شناختن / تصدیق کردن
lovely	زیبا / دوست داشتنی	refer	اشاره کردن / مراجعه کردن
lucky	خوش شانس	reference	مرجع / اشاره
material	ماده / جنس	reflect	نشان دادن / منعکس کردن
metal	فلز / فلزی	result	نتیجه / ثمره / حاصل
moral	اخلاقی / وجدانی	rich	غنی / ثروتمند
name	نام بردن / ذکر کردن	rise	بالا آمدن
nation	ملت / کشور	rug	فرش / قالیچه

run	دویدن / اداره کردن	vast	پهنایور / وسیع
satisfied	راضی / رضایت مندانه	weave	بافتن
shocked	شوکه شده	well-done	افرین / مرحبا
silk	ابریشم / ابریشمی	well-known	معروف / سرشناس
skillful	ماهر / ماهرانه	what for?	برای چی ؟ چرا؟
sociable	اجتماعی / معاشرتی	whenever	هر وقتی که
soft	نرم / ملایم / آرام	workshop	کارگاه
souvenir	یادگاری / سوغات	worried	نگران / مضطرب
special	مخصوص / خاص	yeah	اره / اهان
surprised	شگفت زده / متعجب	accept	پذیرفتن
take note of	توجه کردن / یادداشت برداشتن	advise	توصیه کردن / نصیحت کردن
tile	کاشی / کفپوش	artifact	دست ساز / مصنوع
to death	بی نهایت / فوق العاده	attitude	نگرش / برخورد
to tell the truth	راستش را بخواهی	begin	شروع کردن
totally	به طور کلی	behavior	رفتار
touching	تکان دهنده / تأثیر انگیز	bow	خم شدن / تعظیم کردن
traditional	سنتی / قدیمی	combination	ترکیب / تلفیق
uncertain	نامعلوم / مردد	different from / to	متفاوت با
unique	بینظیر / منحصر بفرد	element	عامل / عنصر
value	ارزش / قیمت گذاری کردن	essay	مقاله / انشا

face	روبرو شدن		
greet	خوش آمد گفتن		
hug	بغل کردن		
include	شامل شدن		
interest	علاقه مند کردن		
lend	قرض دادن		
miss	از دست دادن / دلتنگ شدن		
press palms	قرار دادن کف دست ها به روی هم برای احترام گذاشتن		
public transportation	حمل و نقل عمومی		
respectful	مودبانه / محترمانه		
shake hands	با هم دست دادن		
share	به اشتراک گذاشتن		

زبان دوازدهم – درس اول

A.D (Anno Domini)	بعد از میلاد	by the way	راستی / ضمناً
accidentally	اتفاقی	calmly	ارام / به آرامی
again and again	بارها و بارها	cancer	سرطان
aloud	بلند / با صدای بلند	care for	مراقبت کردن از
appreciation	قدردانی / تقدیر / سپاس	catch	رسیدن / گرفتن / مبتلا شدن
author	نویسنده	childhood	دوران بچگی
be born	متولد شدن	Christ	عیسی مسیح
be hard of hearing	سنگین بودن گوش	close	صمیمی / نزدیک
be known as	معروف بودن به	countless	بی شمار / بسیار زیاد
be remembered for sth	به خاطر چیزی در یادها ماندن	dedicated	متعهد / پایبند / وقف شده
belong	متعلق بودن	develop	تولید کردن / توسعه دادن
belonging	تعلق / وابستگی	diary	دفتر خاطرات / یادداشت
birth	تولد / میلاد	diploma	دیپلم / مدرک تحصیلی
blessing	نعمت / موهبت	discover	کشف کردن
boost	افزایش دادن / تقویت کردن	dishwasher	ماشین ظرفشویی
bring up	بزرگ کردن / تربیت کردن	distinguished	معروف / مشهور / برجسته
burst	منفجر شدن / ترکیدن	either...or	یا.....یا
by accident	اتفاقی / تصادفی	elder	بزرگتر
by heart	از حفظ / از بر	eldery	مسن / سالخورده
learn by heart	حفظ کردن / از بر کردن	enjoyable	لذت بخش / خوشایند

ethic	اخلاق / اصول اخلاقی	loving	مهربان / با محبت
feed	غذا دادن به	lovingly	با مهربانی / با محبت
for instance	برای نمونه	lower	پایین آوردن / کم کردن
forgive	بخشیدن	memory	حافظه
found	تاسیس کردن / بنیان نهادن	microwave oven	مایکرو ویو
function	کارکرد / عملکرد / نقش	moral	اخلاقی / اصول اخلاقی
generation	نسل	mostly	عمدتاً / غالباً
grandchild	نوه	not surprisingly	تعجبی ندارد که
guideline	رهنمون / توصیه	once	زمانی / وقتی / یک بار / روزی
hate	منتفر بودن از	ordinary	عادی / معمولی
hear of	مطلع شدن از	pancake	کیک تابه ای
heritage	میراث	pause	مکث کردن
hug	بغل کردن / در اغوش گرفتن	peaceful	آرام / ساکت / صلح جو
importantly	اساساً / عمدتاً	physician	پزشک / دکتر
inspiration	الهام / الهام بخش	pigeon	کبوتر
keep	ادامه دادن / نگه داشتن	pity	مایه تأسف / حیف
kindly	با مهربانی / با محبت	poetry	شعر
kindness	مهربانی / لطف / محبت	principle	اصل / مبانی
kiss	بوسیدن	quietly	آرام / به آرامی
lap	قسمت بالایی پا (ران) / دامان	record	یادداشت کردن / نوشتن

regard	توجه / ملاحظه / دانستن / قلمداد کردن	third	سوم / سومین
regarding	با توجه به / درباره	tool	ابزار / وسیله
repeatedly	بارها / به کرات	vase	گلدان
reply	پاسخ دادن	while	هنگامی که / در حالی که
responsibility	مسئولیت	willing	مایل / مشتاق / علاقه مند
role	نقش	yet	با وجود این / هنوز
score	نمره / امتیاز	appreciate	قدر دانی کردن
second	دومین / ثانیه	butter	کره
sense	حس	cage	قفس
shout	فریاد زدن	carry	بردن / حمل کردن
sofa	کتابچه / مبل	deserve	سزاوار....بودن / لایق....بودن
solution	راه حل / پاسخ / جواب	duty	وظیفه
spare	دریغ کردن / مضایقه کردن	end in	منجر شدن به
strength	قدرت / قوت / نیرو	end in failure	منجر به شکست شدن
successfully	با موفقیت	failure	شکست / عدم موفقیت
tear	اشک	feel honored	افتخار کردن
teenager	نوجوان	fridge	یخچال
temperature	درجه حرارت / دما	grateful	ممنون / سپاسگزار
terrible	خیلی بد / افتضاح / شدید	grow	رشد کردن / شدن
textbook	کتاب درسی	handle	کنترل کردن / دست زدن

hence	از حالا / بنابراین	along with	به علاوه / افزون بر
a few years hence	چند سال دیگر از این حالا	center	مرکز / وسط / کانون
inform	اطلاع دادن	chess	شطرنج
lack	عدم / فقدان	combine	ترکیب کردن / ترکیب شدن
note	یادداشت / ذکر کردن	compound	مربک / ترکیبی
in one's own	تنها / به تنهایی	confirm	تایید کردن / قطعی شدن
parrot	طوطی	connecting	رابط / ربط دهنده
result	نتیجه	cure	درمان کردن
robber	درد / سارق	dedicate	وقف کردن / اهدا کردن
share	شریک بودن / سهمیم بودن	distinguish	تشخیص دادن / متمایز کردن
steal	دزدیدن	doer	انجام دهنده
thus	بنابراین / در نتیجه	elicit	بیرون کشیدن / به دست آوردن
umbrella	چتر	generate	تولید کردن / به وجود آوردن
unconditionally	بدون قید و شرط	go together	همراه هم بودن
unreal	غیر واقعی	hard of hearing	کم شنوا بودن
worthy	سزاوار / لایق	homeland	وطن / میهن / سرزمین
active	فعال / معلوم	identity	هویت
addition	اضافه / افزوده	quantity	کمیت / مقدار
advice	نصیحت / توصیه	sense of appreciation	قدرشناسی
agreement	توافق / پذیرش / قرارداد	uncertainty	بلا تکلیفی

زبان دوازدهم – درس دوم

abbreviation	اختصار / علامت اختصاری	communicative	خوش صحبت / ارتباطی
action	اقدام / فعالیت	compile	تهیه کردن / تالیف کردن
advanced	پیشرفته / متریقی	complicated	پیچیده / مشکل / دشوار
aid	کمک / یاری	confusing	گیج کننده
allow	اجازه دادن / امکان دادن	connect	وصل کردن / متصل شدن
although	گرچه / اگر چه	connection	اتصال / ارتباط
ant hill	تپه مورچه	contain	شامل / حاوی / دربرداشتن
app	برنامه / نرم افزار	convert	تبدیل کردن / تبدیل شدن
arrange	مرتب کردن / چیدن	crop	محصول / جماعت
arrangement	چیدمان / نظم / ترتیب	crowded	پرجمعیت / شلوغ
astronaut	فضانورد	database	پایگاه داده ها
bilingual	دوزبانه	definition	تعریف / روشنی / توصیف
body of water	یک تکه آب	design	طراحی کردن / ساختن
break	استراحت / تنفس	direct	مستقیم / بی واسطه
browser	جستجوگر / مرورگر	disconnect	قطع کردن / از برق کشیدن
by	به وسیله / نزدیک	disconnection	قطع
claim	ادعا کردن / اظهار داشتن	effectively	به طور موثر
clue	خبر / اطلاع / سرنخ	elementary	بنیادی / ساده / مقدماتی
combination	ترکیب / مجموعه	endanger	به خطر انداختن
common	مشترک / معمول / رایج	enter	وارد شدن / وارد کردن

entire	کامل / تمام / سراسر	immediately	فورا
entry	مدخل / ورودی	incomprehensible	غیرقابل درک / مبهم
essential	ضروری	increasingly	به طور روز افزون
exact	دقیق / صحیح / درست	infection	عفونت / ابتلا
expand	گسترش دادن	inner	داخلی
fat	چربی / روغن / چاق	insect	حشره
figure out	فهمیدن / محاسبه کردن	intermediate	وسطی / میانی
final	نهایی / پایانی / آخرین	introduction	مقدمه / معرفی
floor	طبقه / کف اتاق	invisible	نامرئی
format	نظم / ترتیب / شکل / قالب	issue	مسئله / نسخه / شماره
free	مجانی / رایگان / رها	jump	پریدن / جا انداختن
fresh	تازه / جدید / نو	keep (oneself) to oneself	با دیگران قاطبی نشدن
generally	به طور کلی / معمولا	level	سطح
group	دسته بندی کردن / گروه شدن	look up	دنبال چیزی گشتن
guide	راهنما / راهنمایی کردن	loss	فقدان / زیان / ضرر
hearing	شنوایی	magnet	پرجاذبه / آهن ربا
highlight	برجسته ساختن	magnify	بزرگ کردن / مبالغه کردن
if	اگر / که آیا	magnifying glass	ذره بین
imaginary	خیالی / غیرواقعی	middle	میان / میانه / وسطی
immediate	فوری / سریع	minor	کوچک تر / جزئی / فرعی

monolingual	یک زبانه	several	چندین / مختلف
No.	شماره	shape	شکل
ocean	اقیانوس	single	تکی / تنها / مجرد
offer	پیشنهاد کردن / تخفیف	smart phone	تلفن هوشمند
once	همین که / به محض این که	snake	مار
one after another	یکی پس از دیگری	stand	ایستگاه / موضع
origin	منشا / آغاز	stand for	مخفف چیزی بودن
ostrich	شتر مرغ	stick	چسبیدن / گیرافتادن
PC	کامپیوتر شخصی	suffer	رنج کشیدن / مبتلا بودن
phrase	عبارت / اصطلاح	superhuman	خارق العاده
plus	به علاوه / علاوه بر این	support	حمایت کردن
pollution	آلودگی	suppose	فرض کردن / حدس زدن
primarily	در درجه اول / عمدتاً / اساساً	surround	احاطه کردن
provide	تامین کردن / فراهم کردن	sweet	شیرینی / دسر
purpose	هدف	symbol	نماد / نشانه / علامت
read sb's mind / thoughts	ذهن یا فکر کسی را خواندن	term	اصطلاح / دوره / مدت
recognize	شناختن / به رسمیت شناختن	throughout	سراسر
recommend	توصیه کردن / پیشنهاد کردن	tip	راهنمایی / نصیحت / پند
republic	جمهوری	transmit	پخش کردن / منتقل کردن
section	بخش / قسمت	treasure	گنج / موهبت

type	نوع / گونه / تیپ	behind	پشت سر
unchangeable	غیر قابل تغییر	being	موجود / هستی
unexpectedly	به طور غیر منتظره	biography	شرح حال
unknown	نامشخص / ناشناس	bite	نیش زدن / گاز گرفتن / تکه
unsuccessfully	بدون موفقیت	colony	اجتماع / گروه
unsystematically	به طور نامنظم	commercial	بازرگانی / تجاری
vibration	لرزش / نوسان	develop wings	بال در آوردن حشرات
vocabulary	واژگان / واژه نامه	drought	خشکسالی / کم آبی
watcher	ناظر / تماشاگر	every where	هرجایی که
whereas	در حالی که / گرچه	expression	اصطلاح / عبارت
wherever	هرجایی که	find out	فهمیدن / سر در آوردن
while	اگر چه / وقتی که	foot	پا / پائین
widely	به طور گسترده	goods	کالاها / اموال
wing	بال / جناح	huge	عظیم / بسیار بزرگ
wisely	عاقلاً	lie	قرار داشتن / خوابیدن
wonder	تعجب کردن / متحیر بودن	organize	سازماندهی کردن
work sth out	دست یافتن / محاسبه کردن	originally	در اصل / درابتدا
absent	غایب / حواس پرت	painful	دردناک / آزار دهنده
arm	بازو / آستین / سلاح	pajamas	شلوار راحتی
Before Christ (B.C)	قبل از میلاد	passenger	مسافر

present	هدیه / حاضر / کنونی		
present	اهدا کردن / اجرا کردن		
reproduce	تکثیر کردن / تولید مثل کردن		
resource	منابع / ذخایر		
right	درست / صحیح / راست		
scale	مقیاس / درجه		
scavenger	لاشه خوار / زباله گرد		
technical	فنی / تخصصی		
volume	حجم / جلد		
waterway	راه آبی / آبراه		
wingless	حشرات بی بال		

زبان دوازدهم – درس سوم

absorb	جذب کردن	cool	خنک کردن / سرد شدن
air conditioner	دستگاه تهویه مطبوع	cooperate	همکاری کردن / یاری کردن
apply	درخواست کردن / به کار بردن	cost	هزینه / مخارج
balcony	بالکن	cross sth out	چیزی را خط زدن
basis	اساس / پایه	delivery	تحویل
be OK with/ by sb	مشکلی نداشتن با	demand	درخواست / تقاضا
bill	صورتحساب / اسکناس	dread	ترسیدن / وحشت کردن
blow	وزیدن / فوت کردن	environment	محیط / محیط زیست
broth	سوپ / آب گوشت	equivalent	معادل / مساوی
character	شخصیت / ماهیت	fall	افتادن / کاهش / بارش
China	چینی / چینی آلات	fan	طرفدار / پنکه
client	مشتري / موکل	fantastic	عالی / فوق العاده
cloth	پارچه / کهنه	feather	پر
coal	زغال سنگ / زغال	magic	جادو / جادوگری
collector	مجموعه دار / مامور وصول	margin	حاشیه
come up with sth	به جواب رسیدن / پول یا چیزی را تهیه کردن	mouth	دهان / دهانه
component	جزء / بخش / قطعه	namely	یعنی / به این معنی که
conclude	نتیجه گرفتن	natural gas	گاز طبیعی
consist of	تشکیل شدن / شامل	nonrenewable	تجدیدناپذیر
consume	مصرف کردن / صرف کردن	nuclear	هسته ای / اتمی

obey	اطاعت کردن / فرمان بردن	running water	آب جاری / آب تصفیه شده
oil	نفت / روغن	separate	جدا / مجزا
organic	طبیعی	shiny	براق / درخشان
panel	تابلو / صفحه	sight	بینایی / منظر
perfect	کامل / دقیق / عالی	solar	خورشیدی / شمسی
pollute	آلوده کردن / منحرف کردن	source	منبع / منشأ / علت
power	قدرت / توان / به کار انداختن	spoil	فاسد شدن / لوس کردن
practical	عملی / مفید / قابل استفاده	stable	اصطبل / طویله
proverb	ضرب المثل	string	نخ / ریسمان / رشته
radiation	تابش / انرژی تابشی	succeed	موفق شدن
reduce	کاهش کردن / کم کردن	supply	تدارک / تهیه / تامین کردن
remind	یادآوری کردن	supporting	تایید کننده / مکمل
renewable	تجدید پذیر / قابل تمدید	take in	جذب کردن / به داخل کشیدن
replace	جایگزین کردن	tide	جزر و مد / موج
require	نیاز داشتن / ملزم کردن	tower	برج
result	نتیجه	truck	کامیون / ماشین باری
revolve	چرخیدن / چرخاندن	use up	تمام کردن / کامل مصرف کردن
rise	افزایش / طلوع / ترقی	variety	تنوع / گوناگونی
roof	سقف	warn	اخطار دادن
run	اداره کردن / جاری شدن	waste	زباله / تلف کردن

fitness	سرچالی / شایستگی	lead	رهبری کردن / منجر شدن
flock	جمع شدن / ازدحام کردن	light	روشن کردن / روشن شدن
forever	همیشه / برای همیشه	likelihood	احتمال
formula	فرمول / روش	load	بار / ظرفیت / حجم کاری
fuel	سوخت / عامل محرک		
garbage	زباله / مزخرف		
generate	تولید کردن / به وجود آوردن		
give off	منتشر کردن / بیرون دادن		
global	جهانی / کلی		
global warming	گرمای جهانی		
gone	ناپدید / مرده / رفته		
gradually	به تدریج / کم کم		
hatch	از تخم بیرون آمدن		
heat	گرم کردن / گرما		
herd	گله		
hydropower	انرژی آبی		
inform	اطلاع دادن		
joint	مفصل / محل اتصال		
kinetic	جنبشی		
landfill	محل دفن زباله		

whether	که آیا	last	طول کشیدن / دوام آوردن
wind machine	آسیای بادی	other than	به جز / غیر از
wind turbine	ژنراتور بادی	outlet	پریز برق / خروجی
work out	بهبود شدن / خوب از آب در آمدن	overcome	شکست دادن / چیره شدن
worm	کرم	plug	دوشاخه / به برق زدن
absence	فقدان / غیبت / نبود	portable	قابل انتقال
alternative	جایگزین / دیگر	remote	دور / دور افتاده
background	پیشینه / پیش زمینه	right	راست / فوری
benefit	سود / بهره / مزیت	roll	غلتیدن / به کار انداختن
community	جمعیت / گروه	select	انتخاب کردن / برگزیدن
constantly	دائماً / پیوسته	store	انبار کردن / ذخیره کردن
deal with	از عهده چیزی برآمدن	stove	اجاق گاز / بخاری
digest	فهمیدن / هضم کردن	turn	گشتن / چرخیدن / تبدیل کردن
disability	معلولیت / ناتوانی	veggie	سبزیجات / گیاه خوار
economy	اقتصاد / صرفه جویی		
fall asleep	به خواب رفتن		
flashlight	چراغ قوه / فلاش		
fond	دلبسته / شیفته		
gadget	ابزار / وسیله / دستگاه		
gasoline / gas	بنزین		

موفق باشید